ادامه از صفحه اول

پالس مثبت برای ثبات اقتصاد کلان

شتاب رشد پول کم شد

از اوج رشد ۵۴ درصدی تا نزدیک شدن به کانال ۴۰ درصد

بررسی روند اعلام شده رشد نقطه به نقطه نقدینگی نشان می دهد این شاخص از حدود ۵۴.۴ درصد در مردادماه به ۵۱.۶ درصد در شهریور و سپس به ۵۰.۹ درصد در مهرماه رسیده است. این روند نزولی حائز اهمیت است؛ زیرا نشان می دهد رشد نقدینگی در مقایسه با دوره مشابه سال قبل تا حدودی تعدیل شده است. با این حال باید توجه داشت که رسیدن رشد نقدینگی به زیر ۵۰ درصد نیز به معنای بازگشت آن به محدوده متعارف یا رفع فشارهای پولی اقتصاد نیست. در واقع، حتی با کاهش نرخ رشد، حجم نقدینگی همچنان در حال افزایش است و اثرات انباشته رشدهای بالای سال‌های گذشته نیز همچنان در اقتصاد باقی خواهد ماند. برآوردهای مبتنی بر آمار اعلام شده بانک مرکزی نشان می دهد حجم نقدینگی در پایان مهرماه به حدود ۱۹ هزار و ۳۱۶ هزار میلیارد تومان رسیده است؛ رقمی که بزرگی ابعاد نقدینگی موجود در اقتصاد کشور را نشان می دهد. از این منظر، فاصله میان کاهش نرخ رشد نقدینگی و کاهش واقعی فشارهای تورمی باید مورد توجه قرار گیرد. کاهش سرعت خلق پول می تواند در بلندمدت به کنترل تورم کمک کند، اما آثار آن لزوما بلافاصله در بازار کالاها و خدمات نمایان نمی‌شود.

سیاست‌های پولی چگونه مسیر نقدینگی را تغییر دادند؟

یکی از عوامل اثرگذار بر تغییر مسیر رشد نقدینگی در سال جاری را باید در سیاست‌های پولی و انضباط‌بخشی به عملکرد شبکه بانکی جست‌وجو کرد. بانک مرکزی در ماه‌های گذشته مجموعه‌ای از اقدامات را با هدف کنترل خلق پول بانکی دنبال کرده است. کنترل رشد ترازنامه بانک‌ها، مدیریت ذخایر بانکی، استفاده از ابزارهای سیاست پولی برای تنظیم نقدینگی در بازار بین‌بانکی و محدود کردن اتکای دولت به منابع بانک مرکزی از جمله اقداماتی است که در تحلیل روند نقدینگی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در این میان، کنترل مقداری ترازنامه بانک‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. بانک‌ها از طریق اعطای تسهیلات و ایجاد سپرده، نقش مهمی در خلق نقدینگی ایفا می کنند. بنابراین، زمانی که رشد دارایی‌ها و تسهیلات بانک‌ها تحت نظارت و محدودیت قرار می گیرد، امکان افزایش بی‌ضابطه نقدینگی نیز تا حدودی محدود می‌شود.

از سوی دیگر، افزایش نسبت سپرده قانونی و مدیریت ذخایر شبکه بانکی می تواند قدرت تسهیلات‌دهی بانک‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و از این طریق بر روند خلق پول اثر بگذارد. البته استفاده از این ابزارها نیازمند ملاحظات جدی است؛ چراکه محدودیت بیش از اندازه اعتبارات بانکی، در صورت نبود ابزارهای جایگزین، ممکن است تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی و سرمایه در گردش واحدهای تولیدی را با مشکل مواجه کند. در همین راستا، رییس کل بانک مرکزی نیز در اظهارات اخیر خود از تلاش برای افزایش کارایی تسهیلات بانکی و گسترش استفاده از ابزارهای تأمین مالی زنجیره تولید خبر داده است. تأمین مالی زنجیره‌ای از این جهت اهمیت دارد که به جای اتکای تمام حلقه‌های تولید و توزیع به دریافت تسهیلات نقدی مستقل، منابع مالی را در طول زنجیره تولید هدایت می کند. در چنین شرایطی می توان بخشی از نیازهای مالی بنگاه‌ها را بدون افزایش غیرضروری حجم تسهیلات و فشار بر منابع بانکی تأمین کرد.

ناترازی بانک‌ها مانع جدی مهار نقدینگی

با وجود اقدامات انجام‌شده، یکی از موانع مهم پیش‌روی بانک مرکزی، وضعیت ناترازی برخی بانک‌هاست؛ موضوعی که همتی نیز در اظهارات اخیر خود به آن اشاره کرده و گفته است ناترازی برخی بانک‌ها بخشی از تلاش‌های بانک مرکزی برای کنترل نقدینگی را کند کرده است. ناترازی بانکی از چند مسیر می‌تواند به افزایش نقدینگی منجر شود. بانک‌هایی که با عدم تعادل میان منابع و مصارف، کمبود نقدینگی یا دارایی‌های کم‌کیفیت مواجه هستند، ممکن است برای تأمین منابع مورد نیاز خود به اضافه‌برداشت از بانک مرکزی یا استفاده گسترده‌تر از منابع بازار بین‌بانکی متوسل شوند.

در چنین شرایطی، چنانچه اضافه‌برداشت‌ها به افزایش پایه پولی منجر شود، زمینه برای خلق نقدینگی بیشتر در شبکه بانکی فراهم خواهد شد. به همین دلیل، کنترل نقدینگی صرفا با اعمال محدودیت بر تسهیلات‌دهی بانک‌ها امکان‌پذیر نیست و اصلاح ساختار مالی بانک‌های ناتراز، افزایش کیفیت دارایی‌ها، مدیریت مطالبات غیرجاری و بهبود نظارت بر عملکرد موسسات اعتباری نیز ضرورت دارد. در واقع، تا زمانی که ریشه‌های ناترازی در نظام بانکی برطرف نشود، بخشی از فشارهای ایجادشده در شبکه بانکی می‌تواند تلاش‌های سیاست‌گذار پولی برای مهار نقدینگی را خنثی کند.

کاهش رشد نقدینگی به معنای پایان فشارهای تورمی نیست

یکی دیگر از موضوعاتی که در بررسی روند نقدینگی باید مورد توجه قرار گیرد، ارتباط آن با تورم و انتظارات تورمی است.

نقدینگی به‌تنهایی عامل تعیین‌کننده تورم نیست و میزان تولید کالا و خدمات، سرعت گردش پول، انتظارات تورمی، وضعیت بازار ارز و شرایط مالی دولت نیز در انتقال آثار رشد نقدینگی به سطح عمومی قیمت‌ها نقش دارند.

با این حال، اگر رشد نقدینگی برای مدت طولانی از ظرفیت رشد واقعی اقتصاد فراتر رود، زمینه افزایش تقاضای اسمی و فشار بر قیمت‌ها فراهم می‌شود.

از این منظر کاهش رشد نقدینگی در سال جاری می‌تواند نشانه مثبتی برای ثبات اقتصاد کلان باشد، اما تداوم این روند به مجموعه‌ای از اصلاحات در سیاست‌های پولی، مالی و بانکی وابسته است.

همچنین باید توجه داشت که در شرایطی که اقتصاد با کسری بودجه، ناترازی بانک‌ها و نیاز بالای بنگاه‌ها به منابع مالی مواجه است، کنترل پایدار نقدینگی بدون هماهنگی سیاست‌های پولی و مالی دشوار خواهد بود.

طلا پس از رکوردشکنی در مسیر اصلاح

بازار جهانی در محدوده ۴ هزار دلار و نگاه محتاطانه به سال ۲۰۲۷



بازار جهانی طلا پس از ثبت رکوردهای قیمتی در ماه‌های گذشته، وارد مرحله‌ای از اصلاح و نوسان شده است. تقویت دلار امریکا، افزایش بازده اوراق خزانه و تغییر انتظارات درباره نرخ بهره فدرال رزرو، بخشی از فشارهای اخیر بر قیمت این فلز گران‌بها بوده‌اند. با وجود این، ادامه خرید طلا از سوی بانک‌های مرکزی، به‌ویژه بانک مرکزی چین، نشان می‌دهد که تقاضای راهبردی برای این دارایی همچنان پابرجاست. در بازار داخلی ایران نیز با وجود نوسانات هفته‌های گذشته، فعلاً نشانه‌ای از تلاطم گسترده دیده نمی‌شود و قیمت طلای ۱۸ عیار در محدوده ۲۵ میلیون تومان قرار گرفته است. در چشم‌انداز سال ۲۰۲۷ نیز اگرچه پیش‌بینی‌ها محتاطانه‌تر شده‌اند، همچنان برآوردهایی وجود دارد که قیمت اونس جهانی را در حوالی ۵ هزار دلار ارزیابی می‌کنند. بازار طلا در ماه‌های اخیر یکی از دوره‌های پرنوسان خود را پشت سر گذاشته است. افزایش تقاضا برای دارایی‌های امن، نگرانی از تحولات اقتصادی و سیاسی جهان و تغییر انتظارات سرمایه‌گذاران درباره سیاست‌های پولی بانک‌های مرکزی، زمینه رشد قابل توجه قیمت این فلز را فراهم کرد و اونس جهانی را به سطوح کم‌سابقه‌ای رساند. با این حال، پس از ثبت رکوردهای قیمتی، بازار وارد مرحله تازه‌ای شده است؛ مرحله‌ای که در آن بخشی از رشد قبلی اصلاح شده و قیمت‌ها به جای ادامه حرکت صعودی پرشتاب، در محدوده‌ای نزدیک به ۴ هزار دلار نوسان می‌کنند. این تغییر رفتار بازار به معنای پایان اهمیت طلا در معادلات مالی جهان نیست. آنچه در هفته‌های اخیر مشاهده می‌شود، بیشتر بیانگر تغییر موقت توازن میان عوامل اثرگذار بر قیمت است. از یک سو، تقویت دلار و افزایش احتمال تداوم نرخ‌های بهره بالا در امریکا، جذابیت طلا را برای برخی سرمایه‌گذاران کاهش داده و از سوی دیگر، خرید مستمر بانک‌های مرکزی و تقاضای راهبردی برای افزایش ذخایر طلا، همچنان از عوامل حمایت‌کننده بازار به‌شمار می‌روند. در چنین شرایطی، بازار جهانی طلا با دو نیروی متفاوت روبرو است: فشارهای کوتاه‌مدت ناشی از سیاست پولی امریکا و نوسانات بازارهای مالی، در مقابل تقاضای بلندمدتی که از سوی بانک‌های مرکزی و برخی سرمایه‌گذاران نهادی دنبال می‌شود. همین تقابل باعث شده است قیمت طلا پس از رکوردشکنی‌های ماه‌های گذشته، وارد دوره‌ای از اصلاح و تثبیت نسبی شود.

اونس جهانی؛ اصلاح قیمت پس از رکوردهای تاریخی

قیمت جهانی طلا در هفته‌های اخیر با نوسانات قابل توجهی همراه بوده است. اونس طلا در مقطعی از اصلاح اخیر خود تا محدوده ۳۸۶۹ دلار و ۸۵ سنت عقب نشست؛ سطحی که در گزارش‌های بازار به عنوان پایین‌ترین قیمت ثبت‌شده در دوره مورد اشاره مطرح شده است. با این حال، قیمت پس از این افت توانست بخشی از کاهش خود را جبران کند و بار دیگر به محدوده بالای ۴ هزار دلار بازگردد. براساس گزارش منتشرشده از معاملات بازار جهانی، قیمت هر اونس طلا برای تحویل فوری در معاملات روز جمعه با ۰.۳ درصد کاهش به ۴۰۷۴ دلار و ۳۶ سنت رسید. این فلز گران‌بها در ابتدای همان روز بیش از یک درصد افت کرده و تا ۴۰۳۳ دلار و ۲۹ سنت پایین آمده بود. در بازار معاملات آتی امریکا نیز هر اونس طلا برای تحویل در ماه دسامبر با ۰.۹ درصد کاهش در قیمت ۴۰۷۴ دلار و ۹۰ سنت بسته شد. با وجود افت روزانه، عملکرد هفتگی طلا همچنان مثبت بود. این فلز در طول هفته مورد اشاره ۵.۲ درصد افزایش قیمت داشت و بهترین عملکرد هفتگی خود از ماه اوت را ثبت کرد. این ارقام نشان می‌دهد که بازار، دست‌کم در کوتاه‌مدت، هنوز از یک روند یک‌طرفه برخوردار نیست و تغییرات روزانه می‌تواند تصویر متفاوتی از مسیر هفتگی قیمت‌ارایه کند. در واقع، حرکت اونس به سمت محدوده ۴ هزار دلار را باید در چارچوب اصلاح قیمت پس از رشدهای قبلی بررسی کرد. هنگامی که یک دارایی در مدت نسبتاً کوتاهی افزایش قابل توجهی را تجربه می کند، بخشی از سرمایه‌گذاران برای شناسایی سود اقدام به فروش می کنند. هم‌زمان، تغییر در متغیرهایی مانند نرخ بهره، ارزش دلار و بازده اوراق خزانه می‌تواند فشار مضاعفی بر قیمت وارد کند. بنابراین، عقب‌نشینی از رکوردهای قبلی لزوماً به معنای تغییر کامل چشم‌انداز بلندمدت بازار نیست.

دلار و نرخ بهره؛ دو عامل فشار بر بازار طلا

یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر افت اخیر قیمت طلا، تقویت ارزش دلار امریکا بوده است. شاخص دلار در معاملات روز جمعه ۰.۷ درصد افزایش یافت و به بالاترین سطح خود از ۲۹ اکتبر رسید. از آنجا که طلا در بازارهای جهانی براساس دلار قیمت‌گذاری می‌شود، افزایش ارزش این ارز معمولاً خرید طلا را برای دارندگان سایر ارزها گران‌تر می کند و می تواند تقاضا را تحت فشار قرار دهد. در کنار دلار، افزایش بازده اوراق خزانه‌داری امریکا نیز بر بازار طلا اثر گذاشته است. طلا برخلاف اوراق بدهی و سپرده‌های دارای سود، در آمد دوره‌ای ایجاد نمی کند. به همین دلیل، زمانی که بازده دارایی‌های مالی کم‌ریسک افزایش پیدا می کند، نگهداری طلا برای بخشی از سرمایه‌گذاران جذابیت نسبی کمتری خواهد داشت. انتظارات مربوط به سیاست پولی فدرال رزرو نیز در این میان اهمیت دارد. انتشار آمار اشتغال امریکا در ماه اکتبر نشان داد تعداد مشاغل بخش غیرکشاورزی بیش از انتظار افزایش یافته و نرخ بیکاری به ۴.۱ درصد کاهش پیدا کرده است. این داده‌ها از تداوم مقاومت بازار کار امریکا حکایت داشت و به فدرال رزرو فرصت بیشتری می‌دهد تا در تصمیم‌گیری‌های پولی خود بر مهار تورم تمرکز کند. پس از انتشار این آمار، احتمال افزایش نرخ بهره در ماه دسامبر از نگاه معامله‌گران بازار به ۸۱ درصد رسید، در حالی که این برآورد پیش از انتشار گزارش اشتغال ۷۲.۸ درصد بود. دو مقام فدرال رزرو نیز در اظهارات خود از افزایش‌های محدود و تدریجی نرخ بهره برای مقابله با تورمی که همچنان بالاتر از سطح هدف قرار دارد، حمایت کرده بودند. این تحولات برای بازار طلا اهمیت دارد؛ زیرا افزایش نرخ بهره یا حتی باقی ماندن نرخ‌ها در سطوح بالا برای مدت طولانی‌تر، هزینه فرصت نگهداری طلا را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، بخشی از سرمایه ممکن است به سمت دارایی‌هایی حرکت کند که بازده مشخصی دارند. به همین دلیل، تغییر انتظارات درباره نرخ بهره امریکا می‌تواند در کوتاه‌مدت نوسانات قابل توجهی در قیمت اونس ایجاد کند. با این حال، نباید تأثیر سیاست پولی امریکا را تنها عامل تعیین‌کننده مسیر طلا دانست. بازار این فلز تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی و ژئوپلیتیکی قرار دارد و تقاضای بانک‌های مرکزی، وضعیت ذخایر ارزی کشورها و تحولات نظام مالی جهانی نیز در شکل‌دهی به چشم‌انداز آن نقش دارند.

خرید مستمر بانک‌های مرکزی؛ چرا چین همچنان طلا می‌خرد؟

در شرایطی که قیمت جهانی طلا از رکوردهای قبلی عقب‌نشینی کرده و در مقطعی به زیر ۴ هزار دلار رسیده است، بانک مرکزی چین همچنان به خرید این فلز ادامه داده است. داده‌های رسمی منتشرشده در روز هفتم نوامبر نشان می‌دهد ذخایر طلای این بانک در ماه اکتبر ۸۳۰ هزار اونس، معادل حدود ۲۵.۸ تن، افزایش یافته است. این خرید، بیست‌وچهارمین ماه متوالی افزایش ذخایر طلای بانک مرکزی چین محسوب می‌شود. بر اساس اطلاعات رسمی، مجموع ذخایر طلای این کشور در پایان اکتبر به ۷۸.۳۰ میلیون اونس رسیده است؛ در حالی که این رقم در ماه سپتامبر ۷۷.۴۷ میلیون اونس بود. اهمیت این آمار از آن جهت است که خرید طلا در ماه اکتبر، با وجود افت قابل توجه قیمت‌ها انجام شده است. اونس جهانی در این ماه نزدیک به ۷ درصد کاهش قیمت داشت و در پی نوسانات بازار، ماه را در سطحی پایین‌تر از ۴ هزار دلار به پایان رساند. با این حال، بانک مرکزی چین نه‌تنها روند خرید را متوقف نکرد، بلکه میزان افزایش ذخایر خود را به بالاترین سطح ماهانه از زمان از سرگیری روند انباشت طلا در نوامبر ۲۰۲۴ رساند. بر اساس گزارش بلومبرگ، مجموع طلای خریداری‌شده از سوی بانک مرکزی چین در ۱۰ ماه نخست سال ۲۰۲۶ به حدود ۱۲۹ تن رسیده است. این روند نشان می‌دهد که تصمیم چین برای افزایش ذخایر طلا، صرفاً واکنشی کوتاه‌مدت به نوسانات قیمت نیست و در چارچوب سیاست مدیریت ذخایر این کشور دنبال می‌شود. خرید مستمر چین را می‌توان از منظر تنوع‌بخشی به ذخایر و کاهش اتکای بیش از حد به دارایی‌های مالی خارجی بررسی کرد. طلا در ساختار ذخایر بانک‌های مرکزی جایگاهی متفاوت از ارزهای رایج و اوراق بدهی دارد و به همین دلیل، برخی کشورها در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند سهم آن را در سبد دارایی‌های خود افزایش دهند. البته چین تنها بانک مرکزی فعال در این بازار نیست. گزارش‌های بازار جهانی نشان می‌دهد تقاضای بانک‌های مرکزی برای طلا همچنان حفظ شده است. این تقاضا از آن جهت اهمیت دارد که برخلاف بخشی از معاملات کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاران، معمولاً با افق زمانی بلندمدت‌تری انجام می‌شود. بنابراین، حتی زمانی که قیمت تحت تأثیر افزایش نرخ بهره یا تقویت دلار کاهش پیدا می‌کند، خرید بانک‌های مرکزی می‌تواند بخشی از تقاضای پایدار بازار را حفظ کند. در واقع، رفتار بانک مرکزی چین یک پیام مهم برای تحلیل بازار طلا دارد: کاهش قیمت در بازار جهانی لزوماً به معنای کاهش جذابیت راهبردی این فلز برای همه بازیگران نیست. ممکن است معامله‌گران کوتاه‌مدت در واکنش به تغییرات نرخ بهره اقدام به فروش کنند، اما بانک‌های مرکزی با اهداف متفاوتی به خرید ادامه دهند.

بازار داخلی؛ نوسان محدود در کنار احتیاط خریداران

در بازار داخلی ایران، قیمت طلا و سکه در هفته‌های اخیر از تحولات اونس جهانی و تغییرات نرخ ارز تأثیر گرفته است. با این حال، وضعیت بازار در مقطع فعلی را می‌توان بیشتر در چارچوب ثبات نسبی همراه با نوسان‌های محدود ارزیابی کرد. به بیان دیگر، اگرچه قیمت‌ها در طول هفته تغییر داشته‌اند، اما فعلاً نشانه‌ای از شکل‌گیری تلاطم گسترده و بی‌قاعده در بازار دیده نمی‌شود. بر اساس اظهارات نادر بذرافشان، رییس اتحادیه طلا و جواهر تهران، بازار داخلی در هفته منتهی به شنبه ۱۶ آبان‌ماه تحت تأثیر افزایش اونس جهانی با رشد قیمت همراه شده است. اونس جهانی که در مقطعی تا محدوده ۳۸۷۵ دلار عقب‌نشینی کرده بود، در ادامه با افزایش ۱۸۸ دلاری به ۴۰۶۴ دلار رسید. هم‌زمان با این افزایش، هر مثقال طلای ۱۷ عیار در بازار داخلی با رشد یک میلیون و ۷۵۰ هزار تومانی به ۱۱۱ میلیون و ۴۵۰ هزار تومان رسید. قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز در همین بازه زمانی ۴۲۰ هزار تومان افزایش یافت و به ۲۵ میلیون و ۷۲۰ هزار تومان رسید. در بازار سکه نیز تغییرات یکسانی در همه قطعات مشاهده نشد. تمام سکه طرح جدید با افزایش یک میلیون و ۹۰۰ هزار تومانی به ۲۶۱ میلیون تومان رسید و تمام سکه طرح قدیم نیز با رشد پنج میلیون تومانی در قیمت ۲۵۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان معامله شد. در مقابل، نیم‌سکه با کاهش یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومانی به ۱۳۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و ربع‌سکه با افت یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومانی به ۷۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان رسید. سکه یک گرمی بانک مرکزی نیز با افزایش یک میلیون تومانی به ۳۸ میلیون تومان رسید. در همین حال، حباب سکه با کاهش ۹۵۰ هزار تومانی به ۹ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان رسید. کاهش حباب در کنار تغییرات متفاوت قیمت قطعات سکه نشان می‌دهد که رفتار بازار در بخش‌های مختلف یکسان نیست و علاوه بر قیمت اونس و نرخ ارز، میزان عرضه و تقاضای هر قطعه نیز در قیمت‌نهایی اثرگذار است. با وجود افزایش قیمت‌ها در طول هفته، نکته مهم‌تر وضعیت معاملات است. به گفته رییس اتحادیه طلا و جواهر تهران، بازار در یک ماه گذشته نوسانات گسترده‌ای را تجربه کرده و همین مساله موجب شده حجم مبادلات در بخش خرید و فروش به حداقل برسد. در شرایطی که خریداران از ثبات قیمت‌ها اطمینان ندارند، تصمیم‌گیری برای ورود به بازار با احتیاط بیشتری انجام می‌شود و بخشی از معاملات به تعویق می‌افتد. این وضعیت نشان می‌دهد که ثبات قیمت تنها یکی از عوامل موثر بر رونق معاملات است. حتی اگر قیمت‌ها در یک محدوده مشخص قرار بگیرند، تا زمانی که خریداران و فروشندگان نسبت به تداوم این وضعیت اطمینان نداشته باشند، حجم مبادلات ممکن است پایین باقی بماند.

کف قیمتی طلای ۱۸ عیار کجاست؟

رییس اتحادیه طلا و جواهر تهران با توجه به شرایط بازار پیش‌بینی کرده است که قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار در بازار داخلی به کمتر از کانال ۲۵ میلیون تومان نرسد و نوسانات یک تا سه درصدی همچنان محتمل باشد. این برآورد در شرایطی مطرح شده که قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار در شنبه ۱۶ آبان به ۲۵ میلیون و ۷۲۰ هزار تومان رسیده است. البته این پیش‌بینی را باید در چارچوب ارزیابی صنفی از شرایط فعلی بازار در نظر گرفت، نه یک کف قیمتی قطعی و تضمین‌شده. قیمت طلا در ایران علاوه بر اونس جهانی، به نرخ ارز، شرایط عرضه و تقاضا و انتظارات معامله‌گران نیز وابسته است. از همین رو، هر تغییر معنادار در متغیرهای داخلی یا خارجی می‌تواند محدوده‌های قیمتی را جابه‌جا کند. در حال حاضر، ترکیب قیمت اونس در محدوده ۴ هزار دلار و نرخ‌های داخلی باعث شده بازار طلا در ایران در محدوده‌ای نسبتاً مشخص قرار بگیرد. با این حال، کاهش حجم معاملات نشان می‌دهد که فعالان بازار همچنان برای انجام خرید و فروش با احتیاط رفتار می‌کنند. در چنین شرایطی، ممکن است قیمت‌ها تغییرات محدودی داشته باشند اما سطح فعالیت معاملاتی همچنان پایین بماند.

چشم‌انداز ۲۰۲۷؛ پیش‌بینی‌ها محتاط‌تر، اما نگاه بلندمدت همچنان صعودی

پس از رشد قابل توجه طلا در ماه‌های گذشته و ثبت رکوردهای قیمتی، پیش‌بینی مسیر این فلز برای سال ۲۰۲۷ با احتیاط بیشتری همراه شده است. بخشی از این احتیاط به افزایش حساسیت بازار نسبت به سیاست پولی امریکا بازمی‌گردد. اگر نرخ بهره در سطوح بالا باقی بماند و دلار تقویت شود، ممکن است فشار بر قیمت طلا ادامه پیدا کند. در مقابل، تغییر مسیر سیاست پولی، تضعیف دلار یا افزایش دوباره تقاضا برای دارایی‌های امن می‌تواند زمینه بازگشت قیمت به مسیر صعودی را فراهم کند. با وجود این عوامل، همچنان برآوردهایی وجود دارد که اونس جهانی را در افق سال ۲۰۲۷ در محدوده ۵ هزار دلار ارزیابی می‌کنند. فاصله میان قیمت‌های فعلی و این برآوردها نشان می‌دهد که نگاه بلندمدت بخشی از تحلیلگران و فعالان بازار همچنان تحت تأثیر عواملی مانند تقاضای بانک‌های مرکزی، تنوع‌بخشی ذخایر و تحولات نظام مالی جهانی قرار دارد. با این حال، رسیدن به چنین محدوده‌ای را نمی‌توان قطعی دانست. مسیر قیمت طلا به مجموعه‌ای از متغیرها وابسته است که برخی از آنها به سرعت تغییر می‌کنند. سیاست پولی امریکا، وضعیت دلار، بازده اوراق خزانه، تحولات اقتصادی جهان و میزان خرید بانک‌های مرکزی از جمله عواملی هستند که می‌توانند بر مسیر بازار در سال آینده میلادی اثر بگذارند. به همین دلیل، پیش‌بینی‌های بلندمدت باید در قالب سناریوهای احتمالی بررسی شوند، نه به عنوان قیمت‌های تضمین‌شده آینده. نکته مهم آن است که حتی در صورت تداوم اصلاح قیمت در کوتاه‌مدت، تقاضای بانک‌های مرکزی می‌تواند از منظر ساختاری برای بازار اهمیت داشته باشد. خرید مستمر چین و حفظ تقاضای سایر بانک‌های مرکزی نشان می‌دهد که طلا همچنان بخشی از راهبرد مدیریت ذخایر در اقتصاد جهانی است. این تقاضا لزوماً مانع افت‌های مقطعی نمی‌شود، اما می‌تواند در افق بلندمدت یکی از عوامل موثر بر حفظ جایگاه طلا باشد.

طلا در دوره‌ای میان اصلاح و تثبیت

مجموع تحولات بازار جهانی و داخلی نشان می‌دهد طلا پس از یک دوره رشد پرشتاب، وارد مرحله‌ای متفاوت شده است. در بازار جهانی، تقویت دلار و افزایش احتمال تداوم نرخ‌های بهره بالا، فشارهایی بر قیمت وارد کرده‌اند و اونس پس از عقب‌نشینی از رکوردهای قبلی در محدوده ۴ هزار دلار نوسان می‌کند. در مقابل، خرید مستمر بانک‌های مرکزی، به‌ویژه افزایش قابل توجه ذخایر طلای چین در ماه اکتبر، از ادامه تقاضای بلندمدت برای این فلز حکایت دارد. در بازار داخلی نیز قیمت طلای ۱۸ عیار در محدوده بالای ۲۵ میلیون تومان قرار گرفته و با وجود افزایش هفتگی، فعلاً شرایط با تلاطم گسترده همراه نیست. با این حال، تجربه نوسانات ماه گذشته و کاهش حجم معاملات نشان می‌دهد که احتیاط همچنان بر رفتار خریداران و فروشندگان حاکم است. در افق سال ۲۰۲۷ نیز اگرچه پیش‌بینی‌ها نسبت به دوره رکوردشکنی محتاطانه‌تر شده‌اند، برآوردهای نزدیک به ۵ هزار دلار همچنان در تحلیل‌های بلندمدت مطرح هستند. بنابراین، وضعیت فعلی بازار را می‌توان دوره‌ای میان اصلاح قیمت و تلاش برای تثبیت ارزیابی کرد؛ دوره‌ای که در آن، نیروهای کوتاه‌مدت فشار بر قیمت و عوامل بلندمدت حمایت از طلا هم‌زمان فعال‌اند. برای بازار ایران نیز مسیر آینده طلا تنها به تغییرات اونس جهانی وابسته نخواهد بود. نرخ ارز در داخل، انتظارات اقتصادی و وضعیت عرضه و تقاضا می‌توانند در کنار قیمت جهانی، محدوده‌های قیمتی را تعیین کنند. از این رو، دنبال کردن هم‌زمان تحولات بازار جهانی و متغیرهای داخلی برای ارزیابی مسیر طلا ضروری است؛ به‌ویژه در شرایطی که بازار پس از ماه‌ها نوسان، هنوز به سطحی از ثبات پایدار در معاملات نرسیده است.

سردار محبی:

در تأمین سلاح و تجهیزات جنگی خود کفا هستیم

تولید موشک و پهپاد با قدرت ادامه دارد

سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با بیان اینکه «اولین دستاورد نیروی هوافضای سپاه تولید دانش بومی و بومی‌سازی دانش جهانی در عرصه صنعت هوافضا است»، اظهار کرد: این دستاورد بزرگ منشأ تحولات بسیار زیادی در صنعت دفاعی کشور بود و در یک واژگونی تاریخی کاری کرد که ما از وارد کننده تسلیحات نظامی هوافضا به صادر کننده تبدیل شویم.

سردار حسین محبی سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صبح شنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۵ در نشستی خبری به مناسبت هفته هوافضای سپاه با گرامی داشت یاد و خاطره شهدا و گرامیداشت فرارسیدن هفته هوافضا گفت: این هفته فرصت مغتنمی برای تحلیل از مقام شامخ شهدا، جانبازان، ایثارگران و یکایک کارکنان سلحشور این نیرو و خانواده‌های آنها است. همچنین این هفته فرصتی است تا به دستاوردها و کارکردهای مهم این نیرو بپردازیم.

وی با تاکید بر اینکه همه این دستاوردها و کارکردها مرهون فرامین، اوامر، دستورها و توصیه‌های رهبری شهید است، به تشریح دستاوردهای نیروی هوافضای سپاه، پرداخت و عنوان کرد: نخستین دستاورد نیروی هوافضای سپاه، تولید دانش بومی و بومی‌سازی دانش جهانی در عرصه صنایع هوافضا است. این دستاورد منشأ تحولات گسترده‌ای در صنعت دفاعی و تهاجمی کشور شد و در یک تحول تاریخی، ایران را از وارد کننده تسلیحات نظامی هوافضا به صادر کننده تبدیل کرد.

سخنگوی سپاه با بیان اینکه این پیشرفت‌ها موجب برتری فناوری هوایی ایران در برخی شاخص‌ها نسبت به دشمن شده است، افزود: امروز پهپاد شاهد ۱۳۶ در بسیاری از کشورهای جهان، حتی در امریکا، مورد الگوبرداری و کپی‌برداری قرار گرفته و تحت عناوین دیگری تولید و استفاده می‌شود که این موضوع نشان‌دهنده تحول بزرگی است که در حوزه فناوری هوافضای کشور اتفاق افتاده است. دومین دستاورد این نیرو نیز تبدیل دانش به صنعت و تولید محصولات و صنایع نظامی متعدد و مورد نیاز کشور است که علاوه بر تأمین نیازهای داخلی، زمینه صادرات محصولات دفاعی را فراهم کرده است.

سردار محبی با اشاره به صادرات محصولات نیروی هوافضا به کشورهای مختلف، اظهار کرد: امروز محصولات متعددی از سوی صنعت هوافضای کشور به کشورهای دیگر صادر می‌شود که از جمله آنها می‌توان به موشک آرمان، پهپاد ۳۵۸ و سامانه پدافند هوایی سوم خرداد اشاره کرد. این در حالی است که کشور ما در گذشته همواره وارد کننده تسلیحات نظامی بود، اما امروز علاوه بر تأمین نیازهای داخلی، در این حوزه به صادر کننده تبدیل شده‌ایم و این دستاورد بزرگی برای کشور و نیروی هوافضای سپاه محسوب می‌شود. وی، دومین دستاورد نیروی هوافضای سپاه را تمرکز بر تولید داخلی و استقلال از وابستگی خارجی دانست و گفت: امروز تمامی سلاح‌های این نیرو با دانش و تخصص بومی تولید می‌شوند و تولیدات ما متکی به واردات تسلیحات از کشورهای خارجی یا صرفاً مهندسی معکوس غنائم جنگی نیست. این توفیق بزرگی است که در گذر زمان به آن دست یافته‌ایم و اکنون در صنایع نظامی، به‌ویژه صنایع هوافضا، از استقلال برخورداریم و برای تأمین سلاح، قطعات و تجهیزات جنگی یا آموزش و به کارگیری تسلیحات، به کشورهای دیگر وابستگی نداریم. سخنگوی سپاه دستاورد دوم هوافضای سپاه را تبدیل دانش به صنعت تولید صنایع نظامی متعدد و مورد نیاز کشور و سومین دستاورد نیروی هوافضای سپاه را ایجاد توان مدیریت میدانی برای استفاده از تسلیحات سبک و سنگین، کوتاه‌برد و دوربرد در شرایط جنگی و بحرانی و زیر بمباران دشمن عنوان کرد و افزود: در جریان حملات گسترده دشمن، عملیات و شلیک‌های ماطبق زمان‌بندی انجام‌شده به‌صورت مستمر ادامه داشت و اهداف مورد نظر شامل داشته‌ها، سرمایه‌ها، نیروها و تجهیزات دشمن قرار می‌گرفتند. دشمن با وجود بمباران گسترده نتوانست حتی برای لحظه‌ای مانع انجام عملیات مقابله‌ای ما شود یا در روند شلیک‌ها اختلال ایجاد کند و این موضوع یکی از دستاوردهای مهم نیروی هوافضای سپاه است. سردار محبی، پنجمین دستاورد این نیرو را ایجاد موازنه قدرت با تمرکز بر موشک، پهپاد و صنعت جنگ الکترونیک دانست و اظهار کرد: با تقویت توان موشکی توانستیم در برابر تجهیزات دشمن ایستادگی کنیم، با توسعه و تولید پهپادها تأثیرگذاری قابل توجهی بر دشمن داشته باشیم و از طریق جنگ الکترونیک بر فناوری‌های به کار رفته در تجهیزات دشمن غلبه کنیم. در همین یکی دو هفته گذشته نیز توانستیم هفت فروند پهپاد شناسایی MQM-۱۷۰ دشمن را تحت کنترل درآوریم و به‌صورت سالم به زمین بنشانیم که این موضوع نشان‌دهنده برتری فناوری مادر برابر فناوری و تسلیحات جدید دشمن است. وی، ورود پرشتاب و فناورانه به تولید سامانه‌های پدافند هوایی را ششمین دستاورد نیروی هوافضای سپاه برشمرد و گفت: این حرکت پس از دفاع مقدس دوم، یعنی جنگ ۱۲ روزه، آغاز شد و در فرصت کوتاهی به سطحی از توانمندی رسیدیم که در دفاع مقدس سوم یا همان جنگ رمضان، توانستیم بیش از ۲۶۰ پرنده دشمن را هدف قرار دهیم. این اهداف شامل جنگنده‌های F-۳۵، F-۱۸، F-۱۶ و F-۱۵، پهپادهای مختلف از جمله MQ-۹، MQ-۱ و RQ-۴، هواگردهای لوکاس و انواع ریزپرنده‌ها و پرنده‌های مورد استفاده دشمن بودند. سخنگوی سپاه با تأکید بر اینکه آمار اعلام‌شده مربوط به عملکرد نیروی هوافضای سپاه است، افزود: بیش از ۲۶۰ موردی که به آن اشاره کردم، صرفاً مربوط به توان و عملکرد نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است و آمار مربوط به دستاوردهای ارتش جمهوری اسلامی ایران در این حوزه جداگانه از سوی مسوولان آن نیرو اعلام شده است. نیروهای ارتش نیز در جریان این عملیات‌ها توفیقاتی داشته‌اند که آمار و جزییات آن را خودشان اعلام کرده‌